



Conflict of Testimony in Criminal Law; A Comparative Study in Jurisprudence, Iranian Law and Some Islamic Countries

Morteza Fathi¹, Ali Dadkhah², Ensieh Salimi³

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, Iran, Qom, Email: m.fathi@qom.ac.ir

2. PhD in Islamic Jurisprudence and Law from the Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Iran, Tehran, Email: adadkhah@ut.ac.ir

3. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, Iran, Qom, (Corresponding Author), Email: salimi.en.400@gmail.com

Abstract

Conflict of testimonies is considered as a kind of internal conflict between the evidence which makes it difficult for the courts to issue a judgement, especially in criminal matters. The discussion of the Conflict of testimonies regarding criminal cases, unlike civil cases, is less seen in jurisprudential and legal works, and therefore, its examination in the jurisprudence and law of Islamic countries is important. In this regard, the present study, using a descriptive-analytical method and a comparative approach, has examined the ruling on conflicting testimonies in criminal matters in *Imamiyah* and *Sunni* jurisprudence and the law of Iran and other Islamic countries. According to the findings of the study, the views of *Imamiyah* and *Sunni* jurists, despite differences in some details, are close to each other in general terms, and accordingly, first the solution of consolidation and then the lapse has been accepted. The solution of preference, which is considered in the conflict of evidence in *Shia* and *Sunni* jurisprudence, has not been considered in criminal matters. In the laws of Iran and Islamic countries, the two aforementioned approaches have been mainly chosen in cases of disagreement and conflict of testimony; among them, some, such as Yemen, have legislated in accordance with jurisprudence by addressing the details, and some, such as Libya, have stated that the solution is to follow the popular opinion of the easiest of the sects without specific legislation.

Keywords: testimony, evidence, conflict, Iranian law, *Imamiyah* jurisprudence, *Sunni* jurisprudence, laws of Muslim countries.

Received: 10/05/2025

Revised: 25/06/2025

Accepted: 11/07/2025

How To Cite: Fathi, Morteza; Dadkhah, Ali & Salimi, Ensieh (2025). Conflict of Testimony in Criminal Law; A Comparative Study in Jurisprudence, Iranian Law and Some Islamic Countries, *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 2 (4), 57-88. <http://www.doi.org/10.22091/dclic.2025.12905.1081>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





تعارض شهادت در امور کیفری؛ مطالعه‌ای تطبیقی در فقه، حقوق ایران و برخی کشورهای اسلامی

مرتضی فتحی^۱، علی دادخواه^۲، انسیه سلیمی^۳

۱. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران، قم، رایانامه: m.fathi@qom.ac.ir

۲. دکتر در فقه و حقوق اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ایران، تهران، رایانامه: adadkhah@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران، قم، (نویسنده مسئول)، رایانامه: salimi.en.400@gmail.com

چکیده

اختلاف میان شهادت به‌عنوان قسمی از تعارضات درونی میان ادله اثبات دعوا به شمار می‌رود که صدور رأی را برای محاکم به‌ویژه در امور کیفری با دشواری روبه‌رو می‌سازد. بحث از تعارض شهادت در خصوص دعاوی کیفری، برخلاف دعاوی حقوقی، کمتر در آثار فقهی و حقوقی دیده می‌شود؛ از این‌رو بررسی آن در فقه و حقوق کشورهای اسلامی از اهمیت برخوردار است. در این راستا پژوهش پیش‌رو با شیوه توصیفی تحلیلی و با رویکرد تطبیقی به بررسی حکم تعارض شهادت در امور کیفری در فقه امامیه، اهل سنت، حقوق ایران و دیگر کشورهای اسلامی پرداخته است. مطابق یافته‌های پژوهش، دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت با وجود اختلاف در برخی جزئیات، در کلیات نزدیک به یکدیگر است و بر این اساس ابتدا راهکار جمع و سپس تساقط پذیرفته شده است. راهکار ترجیح که در تعارض بینات در فقه شیعه و سنی مطرح است، در امور کیفری مورد توجه واقع نشده است. در حقوق ایران و کشورهای اسلامی نیز عمدتاً دو راهکار یاد شده در موارد اختلاف و تعارض شهادت برگزیده شده است؛ در این میان برخی همچون یمن به متابعت از فقه با پرداختن به تفصیل اقدام به قانون‌گذاری کرده‌اند و برخی همچون لیبی بدون قانون‌گذاری مشخص، راهکار را در پیروی از نظر مشهور از آسان‌ترین مذاهب عنوان نموده‌اند.

کلیدواژه‌ها: شهادت، بینة، تعارض، حقوق ایران، فقه امامیه، فقه اهل سنت، حقوق کشورهای اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

استناد: فتحی، مرتضی؛ دادخواه، علی و سلیمی انسیه (۱۴۰۴). تعارض شهادت در امور کیفری؛ مطالعه‌ای تطبیقی در فقه، حقوق ایران و برخی کشورهای اسلامی،

آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی، ۲ (۴)، ۵۷-۸۸. doi.org/10.22091/dcl.2025.12905.1081



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

شهادت به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوا در فقه مذاهب اسلامی دارای اعتبار و حجیت شرعی است. شهادت در لغت از ریشه «شهد» به معنای حضور، علم و اعلام است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ج ۳، ۲۲۱) و در اصطلاح شرعی به اخبار جزمی از وجود حقی برای دیگری گفته می‌شود که از سوی شخصی غیر از حاکم واقع گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ۱۵۳؛ نیز ر.ک: ابن‌الهمام، بی‌تا: ج ۷، ۳۶۴؛ دسوقی، بی‌تا، ج ۴، ۱۶۴).

برای اثبات دعوا با شهادت در فقه اسلامی نصاب خاصی از نظر تعداد و جنسیت شاهدان لازم است. به‌طور کلی برای اثبات جرائم در دعاوی کیفری وجود دو شاهد مرد ضرورت دارد، مگر در جرائم منافی عفت که اثبات آن‌ها منوط به گواهی چهار مرد است و در مواردی نیز گواهی زنان می‌تواند در کنار مردان قرار گیرد (محقق حلّی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۱۳۹؛ سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۱۷، ۸۴؛ دسوقی، بی‌تا: ج ۴، ۱۸۵؛ نیآوردی، ۱۴۱۹: ج ۱۷، ۹؛ ابن‌قدامة، ۱۴۰۳: ج ۱۲، ۷۸). در اصطلاح رایج در شرع و در عبارات فقها، شهادت در صورتی که از نصاب لازم برخوردار باشد، «بینه» (به معنای آنچه حق را آشکار می‌سازد) نیز نامیده می‌شود^۱ (مراغی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۶۵۵؛ ابن‌قیم، بی‌تا: ج ۲۴؛ ابن‌فرحون، ۱۴۰۶: ج ۱، ۲۴۰).

بر این اساس فقها در موارد تعدد شهود، لازم دانسته‌اند که شاهدان بر موضوع واحد گواهی دهند و معنا و مفاد شهادت آن‌ها موافق یکدیگر باشد^۲ (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۱، ۲۱۱؛ زحیلی، بی‌تا: ج ۸، ۶۰۴). اما هرگاه مفاد شهادت با یکدیگر اختلاف داشته باشند و وحدت موضوع را مخدوش نمایند، در اینجا بحث از تعارض مطرح می‌شود. در تعارض شهادت که به اصطلاح نوعی تعارض درونی^۳ محسوب می‌گردد، گاهی تعارض میان گواهی چند شاهدی وجود دارد که نصاب لازم برای شهادت

۱. چنان که در روایت مشهور نبوی آمده است: «البینه علی المدعی و الیمین علی من أنکر».

۲. ابوحنیفه موافقت شهادت‌ها را هم در لفظ و هم در معنا شرط دانسته است (زحیلی، بی‌تا: ج ۸، ۶۰۴؛ ر.ک: ابن‌عابدین، ۱۴۱۲: ج ۵، ۴۹۳).

۳. در مقابل تعارض بیرونی که در آن یک دلیل با دلیل غیر همنوع دیگر منافات دارد، مانند تعارض اقرار مرتکب با شهادت گواهان.

معتبر را تشکیل می‌دهند (شهادت غیرمقابل) و گاهی میان چند بیّنه یا شهادت معتبر (شهادت متقابل) تعارض وجود دارد.

با توجه به جایگاه فقهی مبحث تعارض شهادت و مبانی اصولی آن، پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد تطبیقی ابتدا به بررسی موضوع در فقه مذاهب اسلامی می‌پردازد و سپس حقوق کیفری ایران و کشورهای اسلامی‌ای که التزام به شریعت در قانون‌گذاری آن‌ها وجود دارد و به موضوع محل بحث پرداخته‌اند را مورد بررسی قرار می‌دهد تا میزان اعمال صیاغ احکام فقهی در قوانین وضعی نیز نشان داده شود. جایگاه ویژه شهادت در دادرسی اسلامی از یک‌سو و از سوی دیگر عدم توجه به بحث تعارض شهادت در امور کیفری در پژوهش‌های فقهی و حقوقی، اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع را آشکار می‌سازد.

۱. مفهوم تعارض

تعارض ادله در اصطلاح علم اصول فقه و در میان اصولیان شیعه این‌گونه تعریف شده است: تنافی و ناسازگاری مدلول دو (یا چند) دلیل به صورت تناقض یا تضاد (انصاری، ۱۴۱۹: ج ۲، ۷۵۰؛ خویی، ۱۴۲۲ (ب): ج ۳، ۳۷۵). در فرض تناقض، مفاد یک دلیل آنچه دلیل دیگر اثبات می‌کند را نفی می‌کند و در تضاد، مفاد دو دلیل، مغایر و غیرقابل جمع با یکدیگرند، بدون آنکه یکی دیگری را نفی کند. البته چنان‌که گفته‌اند تضاد نیز به اعتبار دلالت التزامی به تناقض برمی‌گردد؛ یعنی مدلول التزامی هر یک از دو دلیل متضاد، نفی مدلول دیگری است (خویی، ۱۴۲۲ (ب): ج ۲، ۴۱۷). در اصطلاح دانشمندان اهل سنت نیز معنای مورد نظر از تعارض - فارغ از اختلاف در تعبیر- مشابه همین معنایی است که ذکر شد. برای نمونه غزالی تعارض را به معنای تناقض دانسته است (غزالی، ۱۴۱۳: ۳۷۶) یا گروهی در تعریف آن چنین آورده‌اند: تقابل دو دلیل به شکل ممانعت (زرکشی، ۱۴۱۴: ج ۸، ۱۲۰؛ شوکانی، ۱۴۱۹: ج ۲، ۲۵۸).

بنابراین روشن می‌شود که در موارد تعارض، بین مفاد دو دلیل ناسازگاری وجود دارد به‌طوری‌که امکان جمع بین آن‌ها و عمل طبق هر دو دلیل مذکور امکان‌پذیر نیست.

۲. شرایط تحقق تعارض در شهادت

۱-۲. تعدد شهادت

تعدد ادله متنافی اولین شرط تحقق تعارض است. همان‌طور که روشن است در صورتی تعارض معنا پیدا می‌کند که یک دلیل در مقابل دلیل دیگر قرار داشته باشد و با وجود یک دلیل تعارض معنا نخواهد داشت.

۲-۲. حجیت شهادت

از دیگر شرایط تحقق تعارض، حجیت و اعتبار ادله متنافی است، به‌طوری‌که فارغ از وقوع تعارض، هر یک به‌خودی‌خود معتبر و دارای حجیت باشند (مظفر، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۴۶). به تعبیر دیگر رکن تعارض آن است که دو حجت و دو دلیل معتبر در برابر یکدیگر قرار گرفته باشند (سرخسی، بی‌تا: ج ۲، ۱۲)، از این‌رو بین دلیل معتبر و دلیل غیرمعتبر تعارضی شکل نخواهد گرفت.

بر این اساس برای این‌که تعارض مصطلح در محل بحث محقق شود باید دو شهادت واجد شرایط لازم یا دو بینه معتبر که مفاد آن‌ها متنافی است در مقابل یکدیگر وجود داشته باشند. اما در صورتی‌که مفاد گواهی دو یا چند شاهدی که در کنار هم نصاب لازم را تشکیل می‌دهند با یکدیگر تنافی داشته باشد، تعارض به معنای اصطلاحی مذکور وجود نخواهد داشت، زیرا فرض بر این است که هر گواهی به‌تنهایی و به‌خودی‌خود اعتبار و حجیت ندارد. با وجود اینکه در حالت اخیر (شهادت غیرمتقابل) تعارض ادله به معنایی که گذشت مطرح نیست، ولی از این جهت که در هر حال بین مفاد گواهی شاهدان -صرف‌نظر از عدم اعتبار آن‌ها به‌عنوان یک دلیل مستقل- تنافی وجود دارد، حالت مذکور نیز، چنان که در ادامه خواهد آمد، مورد بحث صاحب‌نظران قرار گرفته است. در نوشتار حاضر نیز این حالت، همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، موضوع بحث فرض شده است.

به هر روی با توجه به شرط یاد شده، اگر بی‌اعتباری یک شهادت در اثر نداشتن نصاب لازم یا کذب بودن آن یا تحصیل دلیل شهادت به روش غیرقانونی و یا رجوع از شهادت احراز شود، اساساً تعارضی حاصل نمی‌شود و تنها شهادت دیگر است که به اعتبار خود باقی می‌ماند.

۳-۲. تنافی مفاد شهادات

چنان که در بیان مفهوم تعارض گذشت و از عبارات صاحب‌نظران در تعریف تعارض و استفاده ایشان از تعبیری همچون تنافی، تناقض، تضاد، تقابل، تمانع و مانند آن روشن می‌گردد، در موارد تعارض، بین مفاد دو دلیل ناسازگاری وجود دارد، به‌طوری‌که جمع بین آن‌ها و عمل طبق هر دو دلیل مذکور ممکن نیست. به بیان دیگر ضابطه تعارض، تکاذب دو دلیل است به‌گونه‌ای که صدق یکی با صدق دیگری قابل جمع نباشد (مظفر، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۴۶).

تنافی مدلول دو دلیل یا ذاتی و به اعتبار مفهوم عرفی آن‌هاست، یا عرضی است. در تنافی عرضی، بدون آن‌که منافاتی بین مفاد دو دلیل وجود داشته باشد، به جهت امر دیگری خارج از مدلول آن‌ها تنافی تحقق پیدا می‌کند و جمع بین آن دو غیرممکن می‌گردد (خویی، ۱۴۲۲(ب): ج ۲، ۴۱۸). برای نمونه اگر یک شهادت بر قتل (الف) توسط (ب) در روز جمعه دلالت کند و شهادت دیگر بر قتل (الف) توسط (ب) در روز شنبه، در اینجا مفاد دو شهادت به‌خودی‌خود منافاتی با یکدیگر ندارند، ولی از آنجاکه می‌دانیم گرفتن جان یک انسان بیش از یک بار ممکن نیست، میان دو شهادت تکاذب و تنافی به وجود می‌آید و امکان صدق هر دو از بین می‌رود.

۴-۲. وحدت موضوع شهادات

برای تحقق تعارض باید دو دلیلی که دلالت بر دو حکم مختلف دارند، دارای متعلق و موضوع واحدی باشند.^۱ از این رو «اتحاد محل و زمان» (سرخسی، بی‌تا: ج ۲، ۱۲؛ بخاری، بی‌تا: ج ۳، ۷۷) یا «اتحاد محل و زمان و جهت» (زرکشی، ۱۴۱۴: ج ۸، ۱۲۱؛ شوکانی، ۱۴۱۹: ج ۲، ۲۵۸) را شرط تعارض به شمار آورده‌اند، چراکه بین دو حکم مغایر مانند حلیت و حرمت در دو محل یا دو زمان یا از دو جهت متفاوت تضاد و تنافی‌ای وجود ندارد و جمع میان آن دو در این حالات امکان‌پذیر است

۱. دانشمندان منطق نیز برای تناقض هشت شرط را ذکر کرده‌اند: اتحاد موضوع، محمول، اضافه، جزء، کل، قوه، فعل، زمان و مکان. برخی این شروط را به دو شرط اتحاد موضوع و محمول بازگردانده‌اند و برخی بازگشت همه را به یک شرط یعنی اتحاد در نسبت حکمی دانسته‌اند (زرکشی، ۱۴۱۴: ۱۲۱/۸).

(زرکشی، ۱۴۱۴: ج ۸، ۱۲۱؛ شوکانی، ۱۴۱۹: ج ۲، ۲۵۸). خلاصه این که باید دو دلیل جز در نفی و اثبات، مغایرتی با یکدیگر نداشته باشند، به طوری که یک دلیل آنچه دلیل دیگر اثبات می‌کند را عیناً نفی کند (بخاری، بی تا: ج ۳، ۷۷).

بر این اساس دو شهادت نیز در صورتی متعارض محسوب می‌شوند که بیانگر دو حکم متنافی در مورد موضوع واحدی باشند مانند آن که یک شهادت بر سرقت خودروی (الف) توسط زید دلالت داشته باشد و شهادت دیگر بر عدم سرقت همان خودرو توسط زید یا سرقت آن توسط عمرو (با فرض ارتکاب سرقت توسط یک نفر) دلالت کند، یا یک شهادت بر قذف شخص (الف) توسط (ب) در زمانی معین اقامه شود و شهادت دیگر بر عدم قذف (الف) توسط (ب) یا قذف (الف) توسط (ج) (با فرض یک نفر بودن قاذف) در همان زمان معین باشد.

۳. انواع شهادت متعارض

مطابق عبارات فقهای شیعه و اهل سنت، تعارض میان شهادت را در سه بخش «شهادت بر افعال»، «شهادت بر اقرار» و «شهادت بر اقرار و افعال» می‌توان مورد بررسی قرار داد.

در موضوع بحث یعنی امور کیفری، تعارض میان شهادت بر افعال در جایی محقق می‌شود که چند شهادت نسبت به ارتکاب جرم توسط یک نفر دلالت داشته باشند ولی از برخی جهات میان آن‌ها اختلاف باشد. این امر ممکن است گاهی ناشی از اختلاف در زمان یا مکان باشد مانند وقوع قتل، قذف، سرقت در صبح یا شب یا در دو شهر متفاوت یا زنا در زوایای مختلف یک خانه. و گاهی ناشی از اختلاف در وصف یا جنس یا مقدار مشهوده و نظایر آن همچون اختلاف در جنس عین مسروقه و طلا یا نقره بودن آن یا در مقدار آن، اختلاف در وسیله ارتکاب جرم و مشخصات آن، اختلاف در عمد یا خطایی بودن قتل، اکراهی یا مطاوعی بودن زنا.

اما شهادت بر اقرار در مواردی است که مرتکب به ارتکاب جرمی توسط خود اقرار می‌نماید و سپس گواهی به اقرار وی شهادت می‌دهند و میان این شهادت تعارض پدید می‌آید. شهادت بر

فعل و شهادت بر اقرار نیز به‌گونه‌ای است که یک شهادت بر ارتکاب جرم توسط مرتکب دلالت می‌کند و شهادت دیگر بر اقرار او به ارتکاب جرم.

۴. رویکرد فقه مذاهب اسلامی به تعارض شهادات

۴-۱. فقه امامیه

اصولیان امامیه تعارض را به دو قسم غیرمستقر و مستقر تقسیم کرده‌اند. تعارض غیرمستقر در جایی است که تعارض و تنافی میان مفاد دو دلیل تنها در ظاهر و بدو امر است و با تأمل از بین خواهد رفت. در این موارد مطابق شیوه عقلایی که در قانون‌گذاری نیز رایج است میان هر دو دلیل جمع می‌شود و یک دلیل قرینه بر تصرف در دلیل دیگر می‌گردد. این شیوه را جمع عرفی یا جمع مستند به شواهد و قرائن می‌نامند که تعبیر مشهور اصولیان: «الجمع مَهماً أَمکن أُولی من الطرح» اشاره به آن دارد (سبحانی، ۱۴۲۹: ۲۲۱). موارد جمع عرفی را به‌طور معمول زیر عناوین تخصص، ورود، حکومت و تخصیص مورد بررسی قرار می‌دهند (همان؛ خویی، ۱۴۲۲(ب): ج ۲، ۴۱۸). اما تعارض مستقر که تعارض به معنای واقعی محسوب می‌شود، در جایی است که امکان جمع عرفی میان دو دلیل وجود ندارد. در اینکه حکم این قسم از تعارض، «تساقط» است یا «تخیر» اختلاف نظر وجود دارد.

در دیدگاه صحیح که بسیاری از اصولیان آن را پذیرفته‌اند، اصل و قاعده اولیه در تعارض تساقط است (آخوند خراسانی، بی‌تا: ۴۳۹؛ کاظمی، بی‌تا: ج ۴، ۷۵۴؛ خویی، ۱۴۲۲(ب): ج ۲، ۴۴۰؛ مظفر، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۵۸). بدین استدلال که در موارد تعارض دو دلیل مانند دو شهادت در موضوع بحث حاضر، علم اجمالی به کذب یکی از آن دو حاصل می‌شود و بنابراین سه احتمال مطرح می‌گردد: هر دو دلیل متعارض حجیت و اعتبار داشته باشند، یکی از آن دو اعتبار داشته باشد، هر دو از اعتبار ساقط شوند. احتمال اول به معنای عمل طبق دو امر متناقض است و معقول نیست. احتمال دوم مستلزم ترجیح بلامرجح است. در نتیجه احتمال سوم یعنی تساقط متعین می‌شود (خویی، ۱۴۲۲(ب): ج ۲، ۴۴۰). شیوه عرفی و عقلایی نیز در مواجهه با ادله متعارض همچون دو شهادت مخالف به

همین‌گونه است که هردو را کنار می‌گذارند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۴۷۰). قاعده اولیه تساقط، صرف‌نظر از قاعده ثانویه‌ای است که به موجب روایات (اخبار علاجیه) برای حل تعارض خصوص اخبار و روایات متعارض ثابت شده است (ر.ک: آخوند خراسانی، بی‌تا: ۴۴۱). با توجه به این، قاعده اولیه تساقط جز در روایات در سایر ادله متعارض از جمله در امارات موضوعی همچون شهادت قابل استناد خواهد بود (خویی: ۱۴۲۲(ب): ج ۲، ۴۴۰).

بر این اساس با تدقیق در عبارات فقها در تعارض میان شهادت، دیدگاه‌های ایشان را در سه بخش می‌توان تبیین کرد:

۴-۱-۱. شهادت بر افعال

شهادت بر افعال مرتکب ممکن است در زمان، مکان و یا وصف مشهود به با یکدیگر اختلاف داشته باشند که به فراخور تقابل یا عدم تقابل شهادت‌ها، حکم متفاوتی بر آن‌ها مترتب می‌گردد. در شهادت متقابل اگر امکان تعدد واقعه وجود داشته باشد، خدشه‌ای بر اعتبار بینه‌ها وارد نمی‌شود و به موجب هر کدام به‌طور جداگانه حکم خواهد شد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۹۲۶؛ گلپایگانی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۳۹۰؛ سبحانی، بی‌تا: ج ۲، ۴۲۵؛ خویی، ۱۴۲۲(الف): ج ۴۱، ۲۲۰). درواقع در این موارد تعارضی بین شهادت به دلیل امکان جمع بین آن‌ها وجود ندارد.

اما اگر امکان تعدد واقعه وجود نداشته باشد مانند قتل، مجازات به موجب شهادت یادشده قابل اثبات نبوده، به جهت وجود شبهه ساقط می‌شود، چه حد باشد و چه قصاص. حتی اگر قصاص را مشمول قاعده درأ ندانیم باز هم به جهت نامعلوم بودن موضوع قصاص و احتیاط در دماء تردیدی در سقوط آن وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۱، ۲۱۳ و ج ۴۲، ۲۱۹). در خصوص تعارض بینات بر قتل دیدگاهی مطرح شده است بر اینکه اولیای دم مخیر به تصدیق هر کدام از دو بینه هستند، چراکه با وجود اقامه بینه معتبر دلیلی بر سقوط قصاص وجود ندارد و بنابراین همانند آنجا که شاهدانی بر ارتکاب قتل توسط یک شخص گواهی می‌دهند و در مقابل، شخصی دیگر اقرار به قتل می‌کند، برای اولیای دم مقتول در تصدیق هر یک از آن دو تخییر وجود دارد (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ج ۳، ۳۴۱). این

دیدگاه از سوی فقها رد شده است بدین استدلال که حق قصاص در جایی ثابت است که قاتل معلوم باشد و بینۀ بدون معارضی وجود داشته باشد نه در اینجا که دو بینۀ متعارض وجود دارد و هرکدام دیگری را تکذیب می‌کنند. همچنین حکم مذکور در مورد اقرار متعارض، مستفاد از نص شرعی است و قیاس بر آن به خصوص آنکه برخلاف قاعده تساقط است. صحیح نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۵، ۹۱؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۲، ۲۲۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰: ۲۰۹).

در اثبات ضمان مالی در اینجا مانند استرداد عین مسروقه اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از فقها به جهت اتفاق هر دو بینۀ در اصل وقوع جرم، قائل به ثبوت ضمان هستند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۱۳۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ۲۹۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۱، ۲۱۳). ولی برخی دیگر ضمان مالی را نیز همچون اصل جرم ثابت نمی‌دانند (گلپایگانی، ۱۴۰۵: ۳۹۰؛ خمینی، بی‌تا: ج ۲، ۴۵۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷: ۵۹۰)، زیرا دلالت شهادت متعارض بر اصل وقوع جرم، دلالتی التزامی است و این دلالت پس از سقوط دلالت مطابقی حجیتی ندارد (سبحانی، بی‌تا: ج ۲، ۴۲۴).

در این موارد و پس از تساقط، برخی از فقها قائل به جاری شدن قاعده قرعه هستند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ۲۴۲؛ نجفی: ۱۴۰۴: ج ۴۱، ۲۱۳).^۱ تمسک به قرعه در این مسئله مورد اشکال برخی واقع شده است بدین بیان که اجرای قرعه در مورد بینات در صورتی است که چند مدعی وجود داشته باشد و هر کدام بینۀ‌ای اقامه کنند نه همچون مسئله موردنظر که چند بینۀ نسبت به یک شخص اقامه شده است (سبحانی، بی‌تا: ج ۲، ۴۲۴).

اختلاف دیدگاه مذکور در ضمان مالی، در مورد دیه نیز وجود دارد. در این راستا در فرضی که یک بینۀ بر ارتکاب قتل توسط یک شخص اقامه شده و بینۀ دیگر بر ارتکاب آن قتل توسط شخص دیگر و فرض بر وحدت قاتل است، برخی از فقها به لزوم پرداخت دیه و تنصیف آن میان دو مشهود علیه یا عاقله آن‌ها حکم داده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۲۰۵؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۵، ۴۷۳؛

۱. برخی از فقها در بحث شهود متقابل در سرقت، قرعه را به عنوان راهکار جبران خسارت مالی عنوان نموده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۱۳/۴۱) ولی در قتل، قرعه را به عنوان راهکار تعیین مرتکب برای ضمان دیه پذیرفته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۲، ۲۲۰).

ابن‌براج، ۱۴۰۶: ج ۲، ۵۰۲؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۴۲)، به دلیل عدم بطلان خون مسلمان و قیام بینه بر هردو شخص به‌طور یکسان و عدم امکان ترجیح یکی بر دیگری و همچنین فحواى حکم تنصیف مشهودبه هنگام تعارض بینات (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۱۹).

گروه دیگری از فقها معتقدند که حصول تعارض، موجب تساقط شهادات به‌طورکلی و عدم امکان استناد به آن‌ها ولو برای اثبات ضمان مالی می‌شود (گلپایگانی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۳۹۱؛ خمینی، بی‌تا: ج ۲، ۵۲۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷: ۵۹۳؛ خویی، ۱۴۲۲(ب): ۱۱۹)، چراکه دلالت التزامی هر بینه با دلالت مطابقی بینه دیگر تعارض دارد و بنابراین طبق قاعده هردو تساقط می‌کنند گویا که هیچ بینه‌ای در کار نبوده است (خویی، ۱۴۲۲(ب): ۱۱۹). تسری حکم تنصیف مشهودبه به این فرض نیز قیاس غیرقابل قبول است (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۲۰). البته به جهت جلوگیری از بطلان خون مسلمان حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال می‌شود همچون جایی که هیچ بینه‌ای وجود نداشته است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰: ۲۰۹).

بر این اساس فقها در اختلاف شهادات متقابل در زمان، مکان و وصف مشهودبه، قاعده تساقط را پذیرفته‌اند و در ضمان مالی ناشی از آن اختلاف‌نظر دارند.

در شهادات غیرمتقابل، با توجه به این‌که گواهی دادن شاهدان بر معنای واحد شرط قبول شهادات است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۱۲۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۵، ۲۷۴)، در صورتی‌که گواهی شاهدان بر موضوع واحد نباشد، نصاب لازم برای اعتبار شهادات محقق نمی‌شود، خواه در این موارد میان مفاد شهادات تعارض باشد؛ مثلاً یکی بر سرقت خودرو توسط شخصی در زمان معین شهادات دهد و دیگری بر سرقت جواهرآلات توسط همان شخص در همان زمان معین و خواه تعارضی وجود نداشته باشد، مانند این‌که یکی بر سرقت خودرو توسط شخصی در روز جمعه شهادات دهد و دیگری بر سرقت جواهرآلات توسط آن شخص در روز شنبه.

همچنین در صورتی‌که گواهی شاهدان بر ارتکاب فعل واحد باشد ولی در زمان یا مکان یا وصف آن میان شهادات‌ها اختلاف وجود داشته باشد به‌گونه‌ای که بر تغایر فعل مشهودبه دلالت کنند، نصاب

لازم برای شهادت معتبر تحقق نمی‌یابد (علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۵، ۲۷۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۱، ۲۱۳)، مانند گواهی دو شاهد بر سرقت پول توسط یک شخص در دو زمان یا دو مکان یا گواهی آن‌ها بر ارتکاب قتل توسط یک شخص با اختلاف در وصف عمد یا خطا. در این صورت نیز فرقی نمی‌کند که به جهت عدم امکان تعدد واقعه، میان مفاد شهادت تعارض باشد یا تعارضی میان آن‌ها وجود نداشته نباشد (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۱، ۲۱۳).

بر این اساس در تعارض شهادت غیرمتقابل، امکان اثبات جرم و حکم به مجازات وجود ندارد و از این جهت شهادت گواهان اعتباری ندارند. اما آیا می‌توان با انضمام سوگند مدعی به هریک از شهادت‌های متعارض، ضمان مالی را اثبات کرد؟ چنانکه در شهادت‌های غیرمتعارض ممکن است. بنابر نظر گروهی از فقها امکان اثبات ضمان مالی در این فرض وجود دارد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۱۳۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ۲۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۱، ۲۱۲؛ خویی، ۱۴۲۲ (الف): ج ۴۱، ۱۷۹)، چراکه تکاذب و تعارض تنها میان دو شهادت کامل یا همان دو بینه است نه میان دو گواهی شاهد واحد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ۲۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۱، ۲۱۲). در مقابل، برخی از فقها امکان اثبات ضمان مالی با انضمام سوگند به شهادت متعارض را نفی کرده‌اند (خمینی، بی‌تا: ج ۲، ۴۵۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷: ۵۸۷؛ سبحانی، بی‌تا: ج ۲، ۴۲۰)، زیرا گواهی شاهد واحد گرچه دلیل و حجت کامل نیست، جزء حجت است به گونه‌ای که در صورت انضمام شاهد دیگر یا سوگند مدعی، اثر بر آن مترتب می‌شود. پس این‌طور نیست که گواهی شاهدان به تنهایی هیچ اثری نداشته باشند و تکاذب میان آن‌ها به دلیل بی‌اثر بودن موجب تساقط نگردد (سبحانی، بی‌تا: ج ۲، ۴۲۰). بنابراین در دیدگاه اخیر به عنوان ضابطه کلی می‌توان گفت در هر موردی که تعارض محقق می‌شود هر دو امر متعارض از درجه اعتبار ساقط می‌گردند چه دو بینه باشند و چه دو گواهی شاهد واحد (خمینی، بی‌تا: ج ۲، ۴۵۱) و از این رو شاهد واحد در صورت تعارض نمی‌تواند حتی جزء دلیل معتبر قرار گیرد.

تعارض شهادت گاهی از جهت اختلاف در مقدار مشهوده است که این در رابطه با جرائمی همچون سرقت قابل فرض است، مانند آن‌که دو شهادت بر سرقت یک کالا اقامه شود، درحالی‌که

یکی قیمت آن را یک سکه ذکر می‌کند و دیگری دو سکه. در اینجا از جهت اثبات جنبه مالی، در شهادتات غیرمتقابل، مقدار کمتر با گواهی دو شاهد ثابت می‌شود و مقدار بیشتر با انضمام سوگند قابل اثبات است. در شهادتات متقابل نیز مقدار کمتر با مجموع شهادتات ثابت می‌شود و مقدار بیشتر با یک بیّنه (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۱۳۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۱، ۲۱۵). در این موارد تنافی و تعارضی میان شهادت‌ها وجود ندارد، چراکه شهادت بر مقدار کمتر، مقدار بیش از آن را نفی نمی‌کند و نسبت به آن ساکت است. اما در صورتی که شهادت بر مقدار کمتر به گونه‌ای باشد که مقدار بیشتر را نفی کند تعارض محقق می‌شود و از قبیل شهادت بر دو امر متباین خواهد بود، نه اقل و اکثر (سبحانی، بی‌تا: ج ۲، ۴۲۷). در این صورت اختلاف نظر سابق در مورد اثبات ضمان مالی با شهادتات متعارض جریان پیدا خواهد کرد.

۴-۲. شهادتات بر اقرار

فقه‌های امامیه در اعتبار شهادت بر اقرار اجماع دارند و در حدود (طوسی، خلاف: ج ۵، ۴۵؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶: ۳۱۳؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۴، ۱۴۷؛ فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶: ج ۸، ۳۳۵) و قصاص (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۲۰۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۵، ۲۷۶؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۲، ۲۱۳؛ خمینی، بی‌تا: ج ۲، ۵۲۶) آن را معتبر دانسته‌اند.^۱

اختلاف در شهادتات بر اقرار، چه در شهادتات متقابل و چه در شهادتات غیرمتقابل، تابع همان آثار و احکامی است که در مورد شهادتات بر افعال ذکر شد. بنابراین اگر شهادت‌ها ناظر به موضوع واحد نباشند مانند آن که بر اقرار شخص به سرقت پول و سرقت طلا یا قذف در دو زمان شهادت دهند، در این صورت با توجه به عدم تنافی و تکاذب مفاد آن‌ها، در شهادتات متقابل به موجب هر کدام حسب مورد حکم می‌شود و در شهادتات غیرمتقابل، از جهت فقدان نصاب لازم برای اثبات جرم حکم به مجازات ممکن نخواهد بود، هر چند اثبات ضمان مالی با انضمام سوگند امکان‌پذیر است.

۱. البته برخی از فقه‌های متأخر، اقرار در نزد محکمه را به عنوان شرط صحت این شهادت عنوان نموده‌اند (استفتانات شماره ۳۱۳۰ از آیت الله نوری همدانی، شماره ۲۵۱ از آیت الله فاضل لنکرانی).

اما اگر مفاد شهادت با یکدیگر تنافی و تکاذب داشته باشند و تعارض محقق شود، مثلاً دو شهادت بر اقرار شخص به سرقت مال واحد از دو مکان اقامه شود یا یکی بر اقرار به قتل عمد و دیگری بر اقرار به قتل خطایی یا یکی بر اقرار به شرب خمر در حال اضطرار و دیگری در حال اختیار شهادت دهد، در این صورت شهادت چه متقابل و چه غیرمتقابل از اعتبار ساقط می‌گردند و مجازاتی ثابت نخواهد شد. در اثبات ضمان مالی نیز اختلاف نظر سابق به تفصیلی که گذشت مطرح خواهد شد.

۳-۱-۴. شهادت بر اقرار و شهادت بر فعل

اگر یک شهادت بر اقرار مرتکب به ارتکاب جرم باشد و شهادت دیگر بر نفس ارتکاب جرم توسط مرتکب، در این صورت شهادت‌ها بر موضوع واحدی وارد نشده‌اند و با تغایر مشهود^۱ اساساً تعارضی شکل نمی‌گیرد. در اینجا در شهادت متقابل، هر بینة حکم جداگانه خود را به دنبال خواهد داشت. در شهادت غیرمتقابل نیز نصاب لازم برای اثبات جرم تحقق نمی‌یابد و اثبات ضمان مالی نیز مطابق آنچه گذشت با انضمام سوگند ممکن خواهد بود (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۲۰۴ و ۱۳۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۱، ۲۱۱ و ج ۴۲، ۲۱۳؛ گلپایگانی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۳۸۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷: ۵۸۶ و ۱۳۸۰: ۲۰۱).

باید توجه داشت که راهکار ترجیح در مواجهه با تعارض بینات که در دعاوی بر اعیان^۱ در فقه آمده است (سبحانی، بی تا: ج ۲، ۸۹) در دعاوی کیفری مطرح نگردیده است.

۲-۴. فقه اهل سنت

در تعارض ادله میان اصولیان اهل سنت دو دیدگاه عمده وجود دارد: در دیدگاه جمهور جز حنفیان به ترتیب حکم به نسخ، جمع، ترجیح و تساقط می‌شود و در دیدگاه حنفیه ترجیح بر جمع مقدم می‌گردد (زحیلی، ۱۴۲۷: ج ۲، ۴۱۱). بنابراین از آنجاکه نسخ در شهادت متعارض راه ندارد، سه

۱. برخی این را به سایر دعاوی حقوقی نیز تعمیم داده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴: ۱۵۸/۲).

راهکار جمع بین ادله، ترجیح یکی بر دیگری بر اساس مرجحات و تساقط در تعارض شهادت مطرح می‌شود.

چنان که اشاره شد طبق دیدگاه حنفیه باید ابتدا در صورت امکان اقدام به ترجیح یک دلیل نمود. علت این که ترجیح را بر جمع بین دو دلیل مقدم دانسته‌اند این است که با وجود رجحان یک دلیل بر دلیل دیگر اساساً تعارضی تحقق پیدا نمی‌کند چه آن که دلیل مرجوح در برابر دلیل راجح دلیل به حساب نمی‌آید و از این رو عمل به دلیل راجح، واجب و ترک آن خلاف عقل و اجماع است (انصاری کنوی، بی تا: ج ۲، ۱۹۵؛ کاسانی، ۱۴۰۵: ج ۶، ۲۳۳). اما در دیدگاه جمهور اهل سنت پیش از ترجیح باید اقدام به جمع بین دو دلیل و سازگار کردن آن‌ها به شیوه‌ای مقبول نمود، زیرا جمع بین دو دلیل و عمل مطابق هردو بهتر از عمل به یک دلیل و کنار گذاشتن دلیل دیگر است و اصل نیز در دو دلیل معتبر، اعمال هردو است. و با جمع میان دو دلیل تعارض از بین خواهد رفت (زحیلی، ۱۴۲۷: ج ۲، ۴۱۶). در نهایت اگر جمع بین دو دلیل و ترجیح یکی بر دیگری هیچ کدام ممکن نبود فارغ از تقدم و تأخر این دو راهکار- دو دلیل به معنای واقعی متعارض خواهند بود و نوبت به تساقط و کنار گذاشتن هردو می‌رسد (همان، ج ۲، ۴۱۵ و ۴۱۹). با توجه به این دیدگاه‌های فقهای اهل سنت در موارد اختلاف در شهادت گواهان در سه بخش پیش گفته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱. شهادت بر افعال

در شهادت غیرمتقابل، در صورتی که شاهدان بر فعلی گواهی دهند و از جهت زمان، مکان یا وصف اختلاف داشته باشند به طوری که بر تغایر و تعدد فعل مشهود به دلالت کنند، نصاب لازم برای شهادت کامل نسبت به هر فعل محقق نمی‌شود (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۲۱۵). در این موارد اگر تعدد و تکرار فعل ممکن باشد می‌توان با انضمام سوگند مدعی ضمان مالی را در مثل سرقت اثبات کرد، ضمن این که امکان تکمیل شهادت با اقامه شاهد دیگر نیز وجود دارد (همان؛ شیرازی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۴۶۲؛ عنسی، ۱۳۶۶: ج ۴، ۸۴). اما اگر تکرار فعل امکان نداشته باشد، میان گواهی شاهدان تنافی پیش می‌آید و یکی دیگری را تکذیب می‌کند و از این رو شهادت‌ها باطل خواهند بود (ابن قدامه، ۱۴۰۳:

ج ۸، ۵۱۹؛ شربینی، ۱۴۲۱: ج ۵، ۳۹۸؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲: ج ۶، ۵۷۰، نحوی، ۱۴۲۷: ۶۳۰). در خصوص قتل در اینجا این اختلاف نظر وجود دارد که آیا گواهی شاهد می‌تواند موجب تحقق لوث شود یا نه؟ برخی چنین شهادت‌هایی را لوث دانسته، با سوگند ولی دیه را قابل اثبات می‌دانند چراکه در این موارد دو شاهد بر اصل قتل اتفاق دارند. ولی در دیدگاه مقابل به سبب این‌که گواهی هر شاهد متناقض با شاهد دیگر است لوث را محقق نمی‌دانند (شربینی، ۱۴۲۱: ج ۵، ۳۹۸).

در شهادت متقابل نیز در صورتی که امکان تعدد فعل وجود داشته باشد و جمع میان دو بینة ممکن باشد، تعارضی وجود ندارد. ولی اگر تعدد و تکرار فعل امکان‌پذیر نباشد تعارض رخ می‌دهد و هر دو بینة از اعتبار ساقط می‌گردند.

اما در صورتی که اختلاف شهادت از جهت مقدار مشهودّیه باشد، جمهور فقهای اهل سنت یعنی شافعی (عمرانی، ۱۴۲۱: ج ۱۳، ۳۷۹؛ نیآوردی، ۱۴۱۹: ج ۷، ۷۷) مالکی (ابن فرحون، ۱۴۰۶: ج ۱، ۴۶۱) حنبلی (بهوتی، ۱۹۸۲: ج ۶، ۴۱۵؛ ابن قدامه، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۲۳۶) و نیز زیدیه (عنسی، ۱۳۶۶: ج ۴، ۸۳) اتفاق نظر دارند بر اینکه در این نوع از اختلاف، باید به قدر متیقن در دلالت تضمینی توجه شود و بر این اساس کمترین مقدار مورد شهادت (اقل) که مورد توافق شهود است، ملاک صدور حکم قرار می‌گیرد. برخی در موارد ضمیمه شدن سوگند حکم به ثبوت قیمت بیشتر نیز نموده‌اند (مالک بن انس، ۱۳۲۳: ۲۹). از نظر ابوحنیفه و پیروان او، با توجه به لزوم توافق شهادت در لفظ و معنا، تطابق دو لفظ تنها به دلالت وضعی اعتبار دارد و نه به دلالت تضمینی و از این رو در اختلاف دو شاهد در مقدار مشهودّیه فقط در صورتی که دو عدد مشابه در هر دو گواهی شاهدان تکرار شود می‌توان به آن حکم نمود و در غیر این صورت صرف تطابق در دلالت تضمینی کفایت نمی‌کند. مثلاً اگر دو شاهد بر سرقت مقداری مال شهادت دهند و مقدار مورد شهادت در یک گواهی، هزار (ألف) باشد و در گواهی دیگر، دو هزار (ألفین)، شهادت اعتبار ندارد و چیزی اثبات نمی‌گردد، زیرا دو عدد مذکور هر کدام برای دلالت بر عدد مشخصی وضع شده‌اند و یکی (ألفین) نمی‌تواند بر مقدار کمتر از موضوع‌له خود ألف دلالت کند. ولی اگر مقدار مذکور در یک گواهی، هزار ألف باشد و در گواهی

دیگر، هزار و پانصد (ألف و خمسمائة)، در اینجا به عدد هزار که در هر دو گواهی به‌طور جداگانه آمده است حکم می‌شود (زیلعی، ۱۳۱۳: ج ۴، ۲۲۹؛ کاسانی، ۱۴۰۵: ج ۶، ۲۷۸).

۴-۲-۲. شهادت بر اقرار

از میان فقهای اهل سنت، حنفیه صحت شهادت بر اقرار را مقید به اقراری نموده‌اند که در مجلس قضا (دادگاه) واقع شده باشد و این‌گونه استدلال کرده‌اند که در صورت ارائه چنین شهادتی، محکوم‌علیه یا شهادت بر اقرار را تأیید و یا آن را انکار می‌نماید. در صورت اقرار، شهادت بی‌اعتبار می‌شود و مبنای صدور حکم اقرار خود مرتکب خواهد بود. اما اگر انکار نماید، انکار او نوعی رجوع از اقرار محسوب می‌شود و بر این اساس تمسک به چنین شهادتی ممکن نیست. با وجود این، شهادت بر اقرار در قذف در غیر مجلس قضا مورد پذیرش این گروه از فقها قرار گرفته است، چراکه انکار اقرار در قذف را به جهت جنبه حق‌الناسی آن، رجوع از اقرار و موجب سقوط حد نمی‌دانند (کاسانی، ۱۴۰۵: ج ۷، ۵۰).

به‌هرحال در اختلاف شهادت بر اقرار نیز احکام مذکور در شهادت بر افعال جریان می‌یابد. تنها از این جهت که برخلاف شهادت بر فعل در اینجا مورد شهادت، قول است، اختلاف در برخی خصوصیات تا جایی که وحدت مقربه از بین نرود به اعتبار شهادت خدشه‌ای وارد نمی‌کند. بنابراین اگر چند شهادت بر اقرار مرتکب به ارتکاب جرم معینی اقامه شود، ولی زمان یا مکان اقرار در هر کدام متفاوت باشد، به نظر غالب فقها مانعی برای پذیرش شهادت به وجود نمی‌آید (ابن‌قدامة، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۲۱۶؛ سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۱۶، ۱۷۶؛ زیلعی، ۱۳۱۳: ج ۴، ۲۳۰؛ عمرانی، ۱۴۲۱: ج ۱۳، ۳۸۰؛ شیرازی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۴۶۱؛ عنسی، ۱۳۶۶: ج ۴، ۸۴).

۴-۲-۳. شهادت بر اقرار و شهادت بر فعل

از دیدگاه فقهای حنفی (سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۱۶، ۱۷۶) و شافعی (شربینی، ۱۴۲۱: ج ۵، ۳۹۸) و همچنین زیدیه (عنسی، ۱۳۶۶: ج ۴، ۹۰؛ نحوی، ۱۴۲۷: ج ۶۳۰) در مواردی که یک شهادت بر اقرار مرتکب و شهادت دیگر بر فعل ارتکابی او باشد، به جهت اختلاف در مشهود به شهادت معتبر

نخواهند بود. اما حنابلّه (ابن‌قدامه، ۱۴۰۳: ج ۸، ۵۲۰) و مالکیّه (ابن‌فرحون، ۱۴۰۶: ج ۱، ۶۶۰) این نوع از شهادت را مورد پذیرش قرار داده‌اند بدین سبب که مقربّه و مورد شهادت یکی هستند و تنافی میان آن‌ها وجود ندارد و هر دو شهادت در معنا اتفاق دارند.

نکته پایانی اینکه از بررسی عبارات فقهای اهل سنت نیز همانند امامیه روشن می‌شود که راهکار ترجیح در تعارض بینات و بحث از مرجحات که در مذاهب فقهی آمده است (الموسوعه الفقهیه [الکویتیه]، ۱۴۲۷: ج ۱۲، ۱۸۵) در دعاوی کیفری مطرح نمی‌گردد.

۵. رویکرد حقوق کشورهای اسلامی به تعارض شهادت

۵-۱. حقوق کیفری ایران

در حقوق کیفری ایران، اقسام تعارض پیش‌گفته در فقه امامیه به‌طور تفصیلی مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است. بر اساس ماده ۱۸۲ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲، شرط پذیرش شهادت در صورت تعدد شهود را وحدت موضوع و خصوصیات مؤثر در اثبات جرم دانسته و بنابراین چنین مقرر کرده است که هرگاه اختلاف مفاد شهادت موجب تعارض شود یا وحدت موضوع را مخدوش کند، شهادت شرعی محسوب نمی‌شود. در این صورت به موجب ماده ۱۷۶ قانون مذکور، شاهدی که واجد شرایط شهادت شرعی نیست، اظهاراتش استماع می‌شود و تشخیص ارزش آن در علم قاضی در حدود اماره قضایی با دادگاه است.

با توجه به تفکیک شهادت متقابل از غیرمتقابل در باب تعارض شهادت که در بررسی دیدگاه‌های فقهای امامیه مورد تبیین قرار گرفت، ماده ۱۸۲ یادشده را باید ناظر به تعارض شهادت غیرمتقابل دانست، یعنی چنانچه مفاد گواهی چند شاهد واحد با یکدیگر تنافی و تکاذب داشته باشد گواهی آن‌ها اعتبار شهادت شرعی را پیدا نمی‌کند و تنها در قالب اماره قضایی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، در این موارد امکان اثبات ضمان مالی با انضمام سوگند به شهادت دارای معارض مورد اختلاف فقهاست که در اینجا قانون‌گذار اشاره‌ای به این مسئله نداشته است. اما درباره تعارض شهادت متقابل، قانون‌گذار به موجب ماده ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی

به‌طور کلی حکم به تساقط و بی‌اعتباری شهادت شرعی (بینه‌ها) نموده است. چنان که قبلاً گذشت، در اینجا نیز در امکان اثبات ضمان مالی و از جمله دیه اختلاف دیدگاه‌هایی میان فقها وجود دارد. با توجه به اینکه قانون‌گذار در ماده ۴۸۲ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «در موارد علم اجمالی به انتساب جنایت به یکی از دو یا چند نفر و عدم امکان تعیین مرتکب، چنانچه جنایت عمدی باشد قصاص ساقط و حکم به پرداخت دیه می‌شود»؛ در صورتی که بینات متعارض بر جنایت منشأ علم اجمالی مذکور گردند، به موجب این ماده با وجود سقوط قصاص حکم به اثبات دیه می‌شود. البته نحوه پرداخت دیه را قانون‌گذار مشخص ننموده، از این رو برخی معتقدند با استناد به ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی، در قتل به پرداخت دیه از بیت‌المال و در غیر قتل به تنصیف و دریافت آن به نسبت مساوی از متهمان حکم می‌شود (زراعت و متقی اردکانی، ۱۳۹۴: ۱۶). نظر برخی هم بر این است که می‌توان با استفاده از مفاد تبصره ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی در مورد تعارض چند اقرار، در تعارض دو بینه بر قتل نیز اولیای دم یا مجنی‌علیه را مخیر در دریافت دیه از هر کدام از مشهود علیه دانست (میر محمدصادقی، ۱۴۰۰: ۴۷۱). چنانکه پیش از این گفته شد، فقهای امامیه دیدگاه تخییر را رد کرده‌اند و تسری حکم اقرار که مستند به نص خاص شرعی است به بینه را قیاس باطل دانسته‌اند، به‌ویژه که تخییر برخلاف قاعده اولیه تساقط است. بنابراین دیدگاه اخیر که از سوی برخی حقوقدانان مطرح شده است را نمی‌توان مورد پذیرش قرار داد.

۵-۲. حقوق دیگر کشورهای اسلامی

در حقوق آن دسته از کشورهای اسلامی که در مبحث ادله اثبات دعوا التزام به شریعت داشته‌اند، شماری از آن‌ها به موضوع اختلاف و تعارض شهادت اشاره داشته‌اند، به‌طور کلی کمتر به تفصیل و اقسام مربوط به تعارض شهادت در مذاهب فقهی پرداخته‌اند. بررسی قوانین این کشورها نشان می‌دهد که آنچه بیشتر مورد نظر بوده اختلاف شهادت غیرمتقابل است، ضمن اینکه تفکیک بین دعاوی کیفری و غیرکیفری نیز در همه جا مشاهده نمی‌گردد. به هر روی چند رویکرد را می‌توان از قوانین کشورهای مذکور برداشت نمود:

۵-۲-۱. رویکرد اول

گروهی از کشورها در موارد اختلاف شهادت، دادگاه را ملزم دانسته‌اند که با توجه به بخشی از شهادت که به صحت آن اعتقاد دارد حکم صادر نماید و بر این اساس، قدر متیقن حاصل از شهادت گواهان، مبنای صدور حکم قرار می‌گیرد. این دیدگاه در حقوق کشور اردن با مذهب حنفی، در ماده ۳۳ قانون بیّنات مصوب ۱۹۵۲م^۱ مورد پذیرش قرار گرفته است. کشور امارات نیز با مذهب مالکی، در ماده ۷۹ قانون اثبات مصوب ۲۰۲۲م^۲ که البته مربوط به معاملات مدنی و بازرگانی است، این رویکرد را اتخاذ نموده است. بر این اساس تشخیص وزن شهادت و ترجیح یکی از آن‌ها بر دیگری بر عهده قاضی است، زیرا اطمینان یا عدم اطمینان به شهادت شهود به وجدان قاضی و میزان درک او از شهادت باز می‌گردد (کیانانی، ۲۰۰۱: ۳۲۱). همچنین عربستان با مذهب حنبلی، رویکرد یادشده را در ماده ۷۶ قانون نظام اثبات مصوب ۱۴۴۳ق^۳ در پیش گرفته است. باین حال اختیار دادگاه در تشخیص میزان صحت شهادت مخالف را تا جایی دانسته است که اختلاف منجر به تناقض مفاد شهادت نگردد که در این صورت هیچ‌یک اعتباری ندارند و عمل به آن‌ها ممکن نخواهد بود (شرح نظام الإثبات، ۱۴۴۶: ۲۳۷).

این رویکرد، چنان که از قوانین اشاره‌شده استفاده می‌شود، مربوط به اختلاف شهادت غیرمتقابل است و صرف‌نظر از آنچه در ذیل ماده مذکور از قانون عربستان آمده، با آنچه قانون‌گذار کیفری ایران در ماده ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی ذکر کرده است مشابهت دارد،^۴ زیرا در بررسی حقوق کیفری ایران گذشت که به موجب ماده ۱۷۶ قانون مزبور، گواهی شاهی که واجد شرایط شهادت شرعی نیست، می‌تواند در حد اماره قضایی در علم قاضی مؤثر واقع گردد و این یعنی اگر گواهی شاهدانی

۱. «إذا لم توافق الشهادة الدعوى أو لم تتفق أقوال الشهود بعضها مع بعض أخذت المحكمة من الشهادة بالقدر الذي تقتنع بصحته».

۲. «تأخذ المحكمة حال اختلاف شهادة الشهود بالقدر الذي تقتنع بصحته من الشهادة».

۳. «تأخذ المحكمة حال اختلاف شهادة الشهود بالقدر الذي تقتنع بصحته من الشهادة على ألا يؤدي هذا الاختلاف إلى التناقض في شهادتهم».

۴. یادآور می‌شود که قانون‌گذار ایران رویکرد موضوع بحث را در تعارض میان شهادت در امور مدنی در ماده ۱۳۱۷ قانون مدنی ایران مورد پذیرش قرار داده است: «شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد، بنابراین اگر شهود به اختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متیقنی به دست آید».

که به جهت اختلاف مفاد آن‌ها شهادت شرعی محسوب نمی‌شوند، به گونه‌ای باشند که دادگاه علم به صحت بخشی از آن‌ها پیدا کند، در همین حد اعتبار خواهند داشت. اما ظاهر ماده مذکور از قانون نظام اثبات عربستان با ماده ۱۸۲ قانون مجازات اسلامی ایران مغایر به نظر می‌رسد، چراکه مطابق آنچه بیان شد، به موجب قانون عربستانی در صورت تناقض و تعارض شهادت مخالف، اعتباری برای هیچ‌کدام وجود نخواهد داشت، در حالی که مطابق ماده ۱۸۲ یادشده و بر اساس برداشتی که پیش‌تر ذکر شد، در این صورت گرچه شهادت شرعی تحقق نمی‌یابد، گواهی شاهدان می‌تواند مصداق ماده ۱۷۶ واقع شود و در حد اماره قضایی اعتبار داشته باشد.

۵-۲-۲. رویکرد دوم

حقوق کشور سودان با مذهب مالکی، اختلاف شهود را یکی از موارد ایجاد شبهه و اجرای قاعده درأ در حدود شناخته شده که در بند ۲ ماده ۶۵ قانون اثبات سودان مصوب ۱۹۹۴^۱ به آن اشاره شده است و در همین راستا دادگاه عالی سودان در پرونده دولت سودان علیه (ج.د) و (م.د) که اقوال شهود در مرحله تحقیقات با یکدیگر تعارض داشته‌اند، با موجه دانستن تفسیر به نفع متهم، حکم به بی‌اعتباری شهادت نموده است (حسونه، ۱۴۲۰: ۲۲۶).

چنانچه مراد قانون‌گذار سودان از اختلاف شهود، تنافی و تکاذب مفاد شهادت‌ها باشد، در این صورت رویکرد مذکور مطابق با قاعده تساقط و موافق با دیدگاه فقها خواهد بود. در تبیین رویکرد فقهی گذشت که در صورت اختلاف شهادت و عدم امکان تعدد فعل، شهادت‌ها از اعتبار ساقط می‌گردند و به تحقق شبهه موجب سقوط مجازات نیز در این موارد اشاره شد. اما چنانچه مطلق اختلاف شهود اراده شده باشد، در این صورت تحقق شبهه در همه موارد روشن نیست. بله همان‌طور که پیش از این به تفصیل بیان شد، در اختلاف شهادت غیرمتقابل و بر فرض عدم وحدت موضوع، شهادت به سبب فقدان نصاب لازم اعتبار نخواهد داشت هرچند میان گواهی شهود تنافی و تکاذبی هم وجود نداشته باشد، ولی این را نمی‌توان به معنای تحقق شبهه دانست.

۱. «یعدّ من الشبهات الرجوع عن الإقرار و "اختلاف الشهود" و رجوع الشاهد عن شهادته».

۵-۲-۳. رویکرد سوم

برخی کشورها، فقه را با تفصیل بیشتری معیار حکم در موارد اختلاف شهادت قرار داده‌اند. حقوق کشور یمن با مذهب شافعی و زیدی، با پیروی از دیدگاه رایج میان فقها در این زمینه اقدام به قانون‌گذاری نموده است و بر این اساس به موجب ماده ۴۹ قانون اثبات یمن مصوب ۱۹۹۲م^۱ اختلاف شهود در لفظ هنگامی که در معنا اتفاق نظر وجود داشته باشد، اختلاف در زمان و مکان هنگامی که احتمال تعدد وجود دارد و اختلاف در مقدار و صفت مشهود^۲ به از موارد بطلان و بی‌اعتباری شهادت شناخته نشده است. اما اگر اختلاف لفظ منجر به اختلاف در معنای شهادت شود و یا اختلاف در زمان و مکان در جرائمی مانند قتل واقع شود که احتمال تعدد جرم در آن‌ها وجود ندارد، در این صورت حکم به بی‌اعتباری شهادت گواهان می‌شود (فرید واصل، ۱۴۴۲: ۹۹-۱۰۰). چنان که گفته شد و به روشنی پیداست این رویکرد منطبق با دیدگاه فقها است که قبلاً به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت.

۵-۲-۴. رویکرد چهارم

در حقوق لیبی با مذهب مالکی، به موجب ماده ۷ قانون حرمت خمر و ماده ۶ قانون اقامه حد زنا مصوب ۲۰۱۶،^۲ در صحت شهادت و شروط آن به‌طور کلی پیروی از نظر مشهور از آسان‌ترین مذاهب لازم دانسته شده است بدون آنکه به جزئیات پرداخت شود. بر این اساس در این رویکرد قانون‌گذار بدون ورود به ماهیت مسئله، دیدگاه فقهی را مبنا قرار داده و دادگاه را در مقام رسیدگی ملزم به رعایت آن دانسته است.

۱. «لا تبطل الشهادة في الأحوال والشروط الآتية:

اختلاف الشاهدين في الألفاظ إذا اتفقا في المعنى.

اختلاف الشاهدين في زمان و مكان الإقرار و الإنشاء إذا احتمل التعدد.

اختلاف الشاهدين في مقدار المشهود به و يصح منه ما اتفقا عليه معنى...

اختلاف الشاهدين في صفة المشهود به و تكمل شهادة من طابقت شهادته للدعوى بشاهد آخر أو بيمين المدعي».

۲. «...يراعى في صحة الإقرار والشهادة وشروطهما اتباع المشهور من أيسر المذاهب».

نتیجه‌گیری

از تتبع در فقه اسلامی و حقوق کشورهای اسلامی در بحث تعارض درونی میان شهادت در امور کیفری نتایج زیر قابل استنباط است:

۱. راهکار اصولی حل تعارض از دیدگاه امامیه در تعارض غیرمستقر «جمع عرفی» و در تعارض مستقر، بنابر نظر غالب «تساقط» است و نظری بر «تخیر» نیز وجود دارد. اهل سنت راهکارهای «نسخ»، «جمع»، «ترجیح» و «تساقط» را - با اختلافی که در تقدم و تأخر جمع و ترجیح دارند - در تعارض ادله مطرح کرده‌اند که به جز نسخ، سه راهکار دیگر در مورد شهادت متعارض جریان می‌یابد.

۲. در فقه امامیه، در صورت اختلاف شهادت بر افعال، در شهادت متقابل اگر امکان تعدد واقعه وجود باشد تعارضی محقق نمی‌گردد. ولی اگر تعدد واقعه ممکن نبود تعارض تحقق پیدا می‌کند و حکم به تساقط هر دو بینه و سقوط مجازات می‌شود. در اثبات ضمان مالی با دو بینه متعارض اختلاف نظر وجود دارد.

در اختلاف شهادت غیرمتقابل، به سبب فقدان نصاب لازم در شهادت معتبر، اثبات جرم و حکم به مجازات ممکن نیست و در صورت تنافی مفاد دو شهادت و عدم امکان جمع میان آن‌ها، اثبات ضمان مالی با انضمام سوگند به هریک از شهادت متعارض مورد اختلاف است.

در صورت اختلاف شهادت در مقدار مشهود^{۲۶}، اگر شهادت بر مقدار کمتر (اقل)، مقدار بیشتر (اکثر) را نفی نکند، امکان اثبات ضمان مالی وجود دارد؛ بدین گونه که در شهادت غیرمتقابل، مقدار کمتر (قدر متیقن) با گواهی دو شاهد ثابت می‌شود و مقدار بیشتر با انضمام سوگند قابل اثبات خواهد بود. در شهادت متقابل نیز مقدار کمتر با مجموع شهادت اثبات می‌شود و مقدار بیشتر با یک بینه. اما اگر شهادت بر مقدار کمتر، مقدار بیشتر را نفی کند، تعارض بین شهادت محقق می‌گردد و در این صورت، اختلاف نظری که در اثبات ضمان مالی با شهادت متعارض وجود داشت قابل طرح خواهد بود.

اختلاف شهادت بر اقرار نیز همانند شهادت بر افعال است. همچنین در شهادت بر اقرار و بر فعل، به دلیل تغایر مشهود^۲، در شهادت متقابل تعارضی تحقق نمی‌یابد و در شهادت غیرمتقابل نیز نصاب لازم برای اثبات جرم شکل نمی‌گیرد.

۳. از عبارات فقهای اهل سنت در موضوع اختلاف شهادت بر افعال و شهادت بر اقرار استفاده می‌شود که دیدگاه‌های ایشان مشابه فقهای امامیه است و به‌طور کلی اختلاف نظر چشمگیری در میان مذاهب دیده نمی‌شود. نکات قابل توجه، یکی در مورد اختلاف در مقدار مشهود^۳ است که فقهای حنفی بر اساس شرط تطابق لفظ و معنا در شهادت، اثبات مقدار متیقن (اقل) را تنها با وجود شرط مذکور ممکن می‌دانند. دیگری در مورد اصل اعتبار شهادت بر اقرار است که فقهای حنفی اعتبار چنین شهادتی را مقید به اقراری نموده‌اند که در محکمه واقع شده باشد.

در شهادت بر اقرار و بر فعل، بنابر نظر فقهای حنبلی و مالکی، اختلاف و تنافی‌ای وجود ندارد. بنابر نظر سایر فقها در چنین مواردی به جهت اختلاف در مشهود^۴ شهادت معتبر نخواهند بود. راهکار ترجیح در تعارض بیّنات که در فقه اهل سنت و همچنین امامیه آمده است در دعاوی کیفری راه ندارد.

۴. در حقوق کشورهای اسلامی، موضوع تعارض شهادت به تفصیلی که در فقه مطرح است مورد توجه قرار نگرفته است. در حقوق کیفری ایران، قانون‌گذار در تعارض شهادت متقابل حکم به تساقط داده است و در تعارض شهادت غیرمتقابل، شهادت‌ها را تنها در حد اماره قضایی قابل بررسی دانسته و اعتبار شهادت شرعی را از آن‌ها سلب نموده است. در حقوق دیگر کشورهای اسلامی که به موضوع مورد بحث اشاره کرده‌اند، حقوق یمن با تفصیل بیشتری به حالت‌های موجود در اختلاف شهادت پرداخته و مطابق دیدگاه غالب فقها حکم کرده است. برخی کشورها مانند اردن و امارات در اختلاف شهادت حکم به اعتبار قدر متیقن از آن‌ها داده و مقداری که به نظر دادگاه صحیح دانسته می‌شود را معتبر شمرده‌اند. عربستان نیز همین دیدگاه را پذیرفته و آن را در صورتی فرض کرده است که تناقض میان مفاد شهادت وجود نداشته باشد، وگرنه اعتبار شهادت ساقط

می‌گردد. در حقوق سودان اختلاف شهادت به‌عنوان شبهه و موجب سقط حد به حساب آمده است. در حقوق لیبی نیز به‌طور کلی به دیدگاه مشهور از آسان‌ترین مذاهب ارجاع داده شده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن ادریس، منصور بن احمد (۱۴۱۰ ق). **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن الهمام، کمال‌الدین (بی‌تا). **فتح القدير**، بی‌جا: دارالفکر.
- ابن حزم، ابومحمد (بی‌تا). **المحلی بالآثار**، بیروت: دارالفکر.
- ابن عابدین، محمدامین بن عمر (۱۴۱۲ ق). **رد المختار علی الدر المختار**، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
- ابن فارس، ابوالحسن (۱۳۹۹ ق). **معجم مقاییس اللغة**، بی‌جا: دار الفکر.
- ابن فرحون، ابراهیم بن علی (۱۴۰۶ ق). **تبصرة الحکام فی أصول الأقضية و مناهج الأحکام**، مصر: مکتبه الکلیات الأزهریه.
- ابن قیم، محمد بن ابی بکر (بی‌تا). **الطرق الحکمیة**، بیروت: دارالبیان.
- ابن مفلح، برهان‌الدین (۱۴۱۸ ق). **المبدع فی شرح المقنع**، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم (بی‌تا). **کفایه الاصول**، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیه‌السلام).
- انصاری کنوی (بی‌تا). **فواتح الرحموت بشرح المسلم الثبوت**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ ق). **فرائد الاصول**، قم: مجمع‌الفکرالاسلامی.
- بخاری، علاء‌الدین (بی‌تا). **کشف الاسرار شرح أصول البزدوی**، بی‌جا: دارالکتب الاسلامی.
- بهوتی، حسن بن ادریس (۱۹۸۲ م). **کشاف القناع عن متن الاقناع**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- تبریزی، جواد (بی‌تا). **أسس القضاء و الشهاده**، قم: دفتر آیت‌الله تبریزی.
- حجاوی، موسی بن احمد (بی‌تا). **الاقناع فی فقه الامام احمد بن حنبل**، بیروت: دار المعرفه.
- حسنه، بدریه عبد المنعم (۱۴۲۰ ق). **شرح قانون الاثبات الاسلامی السودانی و تطبيقاته القضائیه**، ریاض: أكادیمیة نایف العربیة للعلوم الأمنیه.
- خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا). **تحریر الوسیله**، چاپ دوم، قم: دارالعلم.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ ق). **مبانی تکملة المنهاج**، چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی (رحمه‌الله).
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ ق). **مصباح الاصول**، چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی (رحمه‌الله).
- دسوقی، محمد بن احمد (بی‌تا). **حاشیه الدسوقی الی الشرح الکبیر**، بی‌جا: دارالفکر.
- رملی، شمس‌الدین محمد (۱۴۰۴ ق). **نهایه المحتاج الی شرح المنهاج**، بیروت: دارالفکر.

- زحیلی، محمد مصطفی (۱۴۲۷ ق). *الوجیز فی أصول الفقه الإسلامی*، چاپ دوم، دمشق: دارالخیر.
- زحیلی، وهبه (بی‌تا). *الفقه الاسلامی و ادلته*، چاپ چهارم، دمشق: دارالفکر.
- زراعت، عباس (۱۳۹۷). *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (ادله اثبات دعوا)*، تهران: جنگل.
- زراعت، عباس و متقی اردکانی، امید (۱۳۹۴): «تعارض ادله در اثبات جرائم مستوجب قصاص، دیه و تعزیر؛ مصادیق و راهکارها»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه رضوی، شماره ۱۰.
- زرکشی، بدرالدین (۱۴۱۴ ق). *البحر المحيط فی الاصول الفقهی*، بی‌جا: دارالکتبی.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۹ ق). *الموجز فی اصول الفقه*، چاپ چهاردهم، قم: مؤسسه الامام الصادق (علیه السلام).
- سبحانی، جعفر (بی‌تا). *أصول السرخسی*، بیروت: دارالمعرفه.
- سبحانی، جعفر (بی‌تا). *نظام القضاء والشهادة فی الشریعة الاسلامیة الغراء*، قم: مؤسسه الامام الصادق (علیه السلام).
- سرخسی، شمس‌الدین (۱۴۰۶ ق). *المبسوط*، چاپ سوم، بیروت: دارالمعرفه.
- شربینی، شمس‌الدین محمد (۱۴۲۱ ق). *مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج*، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
- شرح نظام الإثبات، (۱۴۴۶ ق). چاپ اول، السعودیه: مرکز بحوث وزارة العدل السعودیه.
- شهید ثانی (جعفی عاملی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). *مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- شوکانی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۹ ق). *إرشاد الفحول إلى تحقیق الحق من علم الأصول*، چاپ اول، مصر: دارالکتب العربیه.
- شوکانی، محمد بن عبدالله (بی‌تا). *السیل الجرار المتدفق علی حدائق الأزهار*، بی‌جا: دار ابن حزم.
- شیخ طوسی، ابوجعفر (۱۳۸۷ ق). *المبسوط فی الفقه الامامیه*، چاپ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه.
- شیخ طوسی، ابوجعفر (۱۴۰۰ ق). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربیه.
- شیخ طوسی، ابوجعفر (۱۴۲۰ ق). *الخلاص*، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شیرازی، ابراهیم بن علی (۱۴۲۲ ق). *المهذب فی فقه الامام الشافعی*، چاپ دوم، بیروت: دارالشامیه.
- صدر، محمد باقر (۱۴۰۶ ق). *دروس فی علم الأصول*، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب اللبنانی.
- صدر، محمد باقر (۱۴۰۸ ق). *بحوث فی شرح العروة الوثقی*، محقق محمود هاشمی، چاپ دوم، قم: مجمع الشهد
- آیت‌الله الصدر العلمی.
- طباطبایی حکیم، سید محمد سعید (۱۴۲۸). *الكافی فی اصول الفقه*، چاپ چهارم، بیروت: دارالهلال.

- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۴ ق). *تکملة العروة الوثقى*، چاپ اول، قم: داوری.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (بی‌تا). *التعارض*، قم: محلاتی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق). *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه*، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- علامه حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). *تبصره المتعلمین فی احکام الدین*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علیش، محمد بن احمد (۱۴۰۹ ق). *منح الجلیل شرح مختصر خلیل*، بیروت: دار الفکر.
- عمرانی، ابوالحسن (۱۴۲۱ ق). *البيان فی المذهب الشافعی*، جده: دار المنهاج.
- عنسی، احمد بن قاسم (۱۳۶۶ ق). *التاج المذهب لاحکام المذهب*، الصعده: المصطفی.
- عینی، بدر الدین (۱۴۲۰ ق). *البنایه فی شرح الهدایه*، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- غزالی، ابوحامد (۱۴۱۳ ق). *المستصفی من علم الاصول*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فاضل اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). *كشف اللثام عن قواعد الاحکام*، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۰ هـ). *تفصیل الشریعه - القصاص*، چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ ق). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله*، چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۷ ق). *تفصیل الشریعه - القضاء و الشهادات*، چاپ دوم، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).
- فرید، واصل نصر (۱۴۴۲ ق). *نظریه الدعوی و الاثبات فی الفقه الاسلامی المقارنه بالقانون الوضعی و قانون الاثبات الیمنی الجدید*، مصر: دارالمسلمون.
- کاسانی، ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۵ ق). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کاظمی خراسانی، محمد علی (بی‌تا). *فوائد الاصول*، بی‌جا: نشر الاسلامی.
- کیانانی، محمود (۲۰۰۱ م). *شرح قانون اصول المحاکمات المدنیه*، عمان: دار دائل.
- گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۰۵ ق). *الشهادات*، قم: حسینی میلانی.
- مالک بن انس (۱۳۲۳ ق). *المدونه الکبری*، مصر: السعاده.
- محقق حلی، نجم الدین (۱۴۰۸ ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان.
- مراغی، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۷ ق). *العناوین الفقهیة*، قم: انتشارات اسلامی.
- مظفر، محمد رضا (۱۳۹۵ هـ). *اصول الفقه*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- مقدسی (ابن قدامه). محمد بن قدامه (۱۴۰۳ ق). *المغنی*، بیروت: دارالکتب العربی.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۶ق): *انوار الاصول*، تقرير احمد قدسی، قم: نسل جوان.
- الموسوعة الفقهية [الكويتية] (۱۴۲۷ ق). وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، جلد ۱۲، چاپ دوم، كويت: دار السلاسل.
- ميرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۰). *جرائم عليه تمامیت جسمانی اشخاص*، چاپ سی‌ام، تهران: میزان.
- نجفی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الكلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نحوی، حسن بن محمد (۱۴۲۷ق). *تذکره الفاخره فی فقه العتره الطاهره*، چاپ اول، صنعاء: مرکز التراث و البحوث الیمنی.
- نیآوردی، محمد بن حبیب (۱۴۱۹ق). *الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- هارونی الحسینی، احمد بن حسین (۱۴۲۷ق). *شرح التجريد فی الفقه الزیدی*، چاپ اول، صنعاء: التراث و البحوث الیمنی.
- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ش.
- قانون الإثبات السوداني لسنة ۱۹۹۴ م.
- قانون الإثبات العراقي رقم ۱۰۷ لسنة ۱۹۷۹ م.
- قانون الإثبات فی المعاملات المدنية و التجارية رقم ۳۵، الإماراتی لسنة ۲۰۲۲ م.
- قانون البینات الأردنی رقم ۳۰ لسنة ۱۹۵۲ م.
- قانون رقم ۲۱ لسنة ۲۰۱۶ م بشأن تعديل قانون رقم ۴ لسنة ۱۹۹۴ م فی شأن تحريم الخمر، الليبی.
- قانون رقم ۲۲ لسنة ۲۰۱۶ م بتعديل بعض احكام القانون رقم ۷۰ لسنة ۱۹۷۳ م فی شأن إقامة حد الزنا، الليبی.
- قانون نظام الإثبات و الأدلة الإجرائیة، السعودی لسنة ۱۴۴۳ ق.
- قرار جمهوری بقانون رقم ۲۱ بشأن الإثبات، الیمنی لسنة ۱۹۹۲ م.

References

In Persian

- Islamic Penal Code 2013
- Mir-Mohammad Sadeghi, Hossein (2021), Crimes against the Physical Integrity of Persons, 30th edition, Tehran: Mizan.
- Zera'at, Abbas (2018), Detailed Explanation of the Islamic Penal Code (Evidence), Tehran: Jangal.
- Zera'at, Abbas and Mottaqi-Ardakani, Omid (2015): "Conflict of Evidence in Proving crimes subject to Retaliation, Blood Money and Tae'zir; Examples and Solutions", *Criminal Law Teachings*, Razavi University, No. 10, 3-33.

In Arabic

- The Holy Quran
- Akhund Khorasani, Mohammad-Kazem (N. D.), Kifayah al-Usul, Qom: Aal al-Beyt Institute.
- Alish, Muhammad ibn Ahmad (1988), Manh al-Jalil Sharh Mukhtasar Khalil, Beirut: Dar al-Fikr.
- Allamah Helli, Hassan bin Yusuf (N. D.), Tabsirat al-Mutaealimyn fi Ahkam al-Dyn, Tehran: Printing and Publishing Institution affiliated with the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Allamah Helli, Hasan bin Yusuf (1999), Tahrir al-Ahkam al-Shar'iyyah on ala Mazhab Imamiyah, Qom: Imam Sadiq Institution.
- Ansi, Ahmad ibn Qasim (1946), Al-Taj Al-Mazahab li-Ahkam Al-Mazhab, Al-Sa'da: Al-Mustafa.
- Ansari Kanwi (N. D.), Fawath al-Rahmat Besharhe al-Moslem al-Thobot, Beirut: Dar al-Kitb al-Elamiyah.
- Bhuti, Hassan ibn Idris (1982), Keshaf Alqna'e 'en Matne Alaqna'e, Beirut: Dar al-Kitb al-Ulamiyah.
- Bukhari, Ala al-Din (N.D.), Kashf al-Asrar Sharh Usul al-Bazdawi, N.P.: Dar al-Kutub al-Islami.
- Desouki, Muhammad bin Ahmad (N. D.), Al-Desouki's Footnote to the Great Explanation, N. P.: Dar Al-Fikr
- Eini, Badr al-Din (1999), Al-Banna fi Sharh al-Hidaya, First Edition, Beirut: Dar Al-Fikr.
- Evidence in Civil and Commercial Transactions Act, No. 35, UAE of 2022.
- Explanation of the Evidence System, (2024), First Edition, Saudi Arabia: Research Center of the Saudi Ministry of Justice.
- Farid, Wasil Nasr (2020), The Theory of Claim and Evidence in Islamic Jurisprudence Compared to enacted Law and the New Yemeni Law of Evidence, Egypt: Dar Al-Muslimun.
- Fazel Isfahani, Muhammad ibn Hasan (1992), Kashf al-Litham 'an Qawa'id al-Ahkam, First Edition, Qom: Daftar Intisharat Islami.
- Fazel Lankarani, Mohammad (1997), Tafsal al-Shariah fi Sharh Tahrir al-Wasila, First Edition, Qom: Jurisprudence Center of the A'eme al-Athar.
- Fazel Lankarani, Mohammad (2001), Detailed Sharia – al-Qesas, First Edition, Qom: Jurisprudence Center of the A'eme al-Athar.
- Fazel Lankarani, Mohammad (2006), Detailed Sharia - Judiciary and Testimonies, 2nd Edition, Qom: Jurisprudence Center of the A'eme al-Athar.
- Ghazali, Abu Hamid (1992), Al-Mustasfa min Ilm al-Usul, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah.
- Golpayegani, Sayyed Mohammad-Reza (1984), Al-Shahadah, Qom: Hosseini Milani.
- Harouni Al-Hasani, Ahmed bin Hussein (2006), Sharh al-tajrid fi al-fegh al-Zeidi, First Edition, Sana'a: Yemeni Heritage and Research.
- Hassouna, Badriya Abdel Moneim (1999), Explanation of the Sudanese Islamic Evidence Law and its Judicial Applications, Riyadh: Naif Arab Academy for Security Sciences.
- Hijawi, Musa bin Ahmad (N. D.), Persuasion in the Jurisprudence of Imam Ahmad bin Hanbal, Beirut: Dar Al-Ma'rifah.
- Ibn-Abidin, Muhammad-Amin ibn Omar (1991), Radd al-Mukhtar ali al-Dur al-Mukhtar, Second Edition, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn-al-Qayyim, Muhammad ibn Abi Bakr (N. D.), Al-Tarqi al-Hikamiyyah, Beirut: Dar al-Bayan.
- Ibn-Faris, Abul-Husayn (1978), Dictionary of Language Standards, N. P.: Dar al-Fikr.
- Ibn-al-Humam, Kamal al-Din (N. D.), Fath al-Qadir, N.P.: Dar al-Fikr.
- Ibn-Farhun, Ibrahim ibn Ali (1985), Tabşirat al-Hukkam fi Usul al-Aqdiyya wa Manāhij al-Ahkām, Egypt: Maktabat al-Kulliyyat al-Azhariya.
- Ibn-Hazm, Abu Muhammad (N. D.), Al-Muhalli Bel-Athar, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn-Idris, Mansur ibn Ahmad (1989), Al-Sara'ir al-Hawi li-Tahrir al-Fatawa, 2nd Ed, Qom: Daftar Intisharat Islami.
- Ibn-Mufleh, Burhan al-Din (1997), Al-Mubda' fi Sharh al-Muqni', First Edition, Beirut: Dar al-Kutub al-

Alimah.

- Iraqi Evidence Act, No. 107 of 1979.
- Kasani, Abu Bakr ibn Masoud (1984), *Badae al-sanaye fi Tartib al-Sharae*, First Edition, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
- Kazemi Khorasani, Muhammad-Ali (N. D.), *Faw'ed al-Usul*, N. P.: Al-Islami Publishing.
- Kayanani, Mahmoud (2001), *Explanation of the Principles of Civil Trials Act*, Oman: Dar Day'el.
- Khomeini, Sayyed Ruhollah (N. D.), *Tahrir Al-Wasila*, Secon Edition, Qom: Dar Al-Ilm.
- Khoyi, Sayyed Abul-Qasim (2001), *Mabani Takmilat Al-Minhaj*, First Edition, Qom: Institute for the Revival of the Works of Imam Khoei.
- Khoyi, Sayyed Abu al-Qasim (2001), *Misbah al-Usul*, First Edition, Qom: Institute for the Revival of the Works of Imam al-Khoyi.
- Jordanian Evidence Act, No. 30 of 1952.
- Law No. 21 of 2016 after Amending Law No. 4 of 1994 on the Prohibition of Alcohol, Libya.
- Law No. 22 of 2016 Amending Some Provisions of Law No. 70 of 1973 regarding the Enforcement of the Punishment for Adultery, Libyan.
- Makarem Shirazi, Nasser (1995): *Anwar al-Usul*, Reported by Ahmad Qudsi, Qom: Nasl-e Javan.
- Malik ibn Anas (1905), *Al-Mudawwana al-Kubra*, Egypt: Al-Sa'ada.
- Maqdisi (Ibn Qudamah), Muhammad bin Qudamah (1982), *Al-Mughni*, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Maraghi, Sayyid Mir Abd al-Fattah (1996), *Jurisprudential Titles*, Qom: Islamic Publications.
- Mawardi, Muhammad ibn Habib (1998), *Al-Hawi Al-Kabir fi Fiqh Mazhab Al-Imam Al-Shafi'i*, First Edition, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyah.
- Muhaqqiq Helli, Najm al-Din (1987), *The Laws of Islam in Issues of Permissible and Forbidden*, Second Edition, Qom: Ismailian.
- Muzaffar, Muhammad-Reza (1975), *Usul al-Fegh*, Qom: Center of the Qom Seminary Management.
- Nahwi, Hassan bin Muhammad (2006), *Tadhkirat al-Fakhira fi Fiqh al-'Itra al-Tahirah*, First Edition, Sana'a: Yemeni Heritage and Research Center.
- Najafi, Muhammad bin Hassan (1983), *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam*, Beirut: Dar Revival of Arab Heritage.
- Omrani, Abu al-Hussein (2000), *Al-Bayan fi al-Madhab al-Shafi'i*, Jeddah: Dar al-Minhaj.
- Ramli, Shams al-Din Muhammad (1983), *Nihayat al-Muhtaj ila Sharh al-Minhaj*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Republican Decree by Law No. 21 on Evidence, Yemen, 1992.
- Sadr, Muhammad Baqir (1985), *Lessons in the Science of Principles*, 2nd Edition, Beirut: Lebanese Book House.
- Sadr, Muhammad Baqir (1987), *Bohoth fi al-Sharh Al-Urwa Al-Wuthqa*, Edited by Mahmoud Hashemi, 2nd Edition, Qom: The Martyr Ayatollah Sadr Scientific Complex.
- Sarakhsi, Shams al-Din (N.D.), *Usul al-Sarakhsi*, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Sarkhasi, Shams al-Din (1985), *Al-Mabsut*, Third Edition, Beirut: Dar Al-Ma'rifa.
- Shahid Thani (Jabai Ameli), Zain al-Din Ibn Ali (1992), *Masalik al-Afham fi Sharh Sharaye al-Islam*, First Edition, Qom: Islamic Knowledge Institution.
- Sheikh Tusi, Abu Jafar (1967), *Al-Mabsoot fi Al-Fiqh Al-Imamiyya*, Third Edition, Tehran: Mortazavi Library.
- Sheikh Tusi, Abu Jaafar (1979), *Al-Nihayah fi Mojarad Al-Fiqh va al-Fatawi*, Second Edition, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Sheikh Tusi, Abu Jaafar (1999), *Al-Khilaf*, 2nd Ed, Qom: Islamic Publishing Institute.
- Sherbini, Shams al-Din Muhammad (2001), *Mughni al-Muhtaj li Ma'rifat al-Minhaj al-Minhaj*, Second Edition, Beirut: Dar al-Fikr.
- Shirazi, Ibrahim bin Ali (2001), *Al-Muhazzab fi al-Fegh al-Imam Al-Shafi'i*, Second Edition, Beirut: Dar

- Al-Shamiya.
- Shoukani, Muhammad bin Abdullah (N.D.), al-Syl al-Jerar al-Motdafaq ala Ha'eq al-azhar, N.P: Dar Ibn Hazm.
 - Shoukani, Muhammad bin Abdullah (1998), Irshad al-Fuhul ila Tahqiq al-Haq min Ilm al-Usul, First Edition, Egypt: Dar al-Kutub al-Arabiyya.
 - Subhani, Ja'far (N. D.), The System of Justice and Testimony in the Noble Islamic Law, Qom: Imam Sadiq Institute.
 - Subhani, Ja'far (2008) Al-Mawjiz fi Usul Al-Fiqh, Fourteenth Edition, Qom: Imam Sadiq Institute.
 - Sudanese Evidence Act 1994.
 - Tabatabai Hakim, Sayyed Muhammad-Saeed (2007), Al-Kafi fi Usul al-Fiqh, Fourth Edition, Beirut: Dar Al-Hilal.
 - Tabatabai Yazdi, Sayyed Muhammad-Kazem (N. D.), Conflict, Qom: Mahallati.
 - Tabatabai Yazdi (1993), Takmilat Al-Urwa Al-Wuthqi, First Edition, Qom, Dawari.
 - Tabrizi, Javad (N.D.), Foundations of Judiciary and Testimony, Qom: Ayatollah Tabrizi's Office.
 - The [Kuwaiti] Encyclopedia of Islamic Jurisprudence (2006), Ministry of Endowments and Islamic Affairs, Volume 12, Second Edition, Kuwait: Dar Al-Salasil.
 - The System of Evidence and Procedural Evidence Act, Saudi Arabia, 2021.
 - Zarkash, Badr al-Din (1993), Al-Bahr al-Muhit fi al-Usul al-Fiqh, N. P.: Dar al-Kutubi.
 - Zuhayli, Muhammad-Mustafa (2006), Al-Wajeez fi Usul al-Fiqh al-Islami Second Edition, Damascus: Dar Al-Khair.
 - Zuhayli, Wahba (N. D.), Islamic Jurisprudence and its Evidence, Fourth Edition, Damascus: Dar Al-Fikr.